

بیدمشک یادگار نیاکان ارزشمند ما

می کند و وی فریاد بر می آورد او وادی (به لهجه دوانی ها یعنی آب پیدا شد). همه همراهان هلهله سر می دهند و از صدای فریادشان باغداران دوانی به آنجا می آیند و گوسفند قربانی می کنند.

به هر روی با پیشرفت تکنولوژی و توسعه امکانات، شبکه های آبرسانی درون شهری به مرور زمان جایگزین سیستم سنتی قدیم گردید و رفته رفته در طول چهل سال گذشته تا به امروز این یادگار ارزشمند که نشانگر همت و تلاش و سخت کوشی نیاکان ما بوده به دست فراموشی سپرده شد و متأسفانه امروز حتی محیط خود چشمه نیز بر اثر بی توجهی به کلی تغییر حالت داده و تخریب گردیده است.

فضولات چارپایانی که به منظور حمل آب برای معدود عشایر ساکن در دره های اطراف به محل چشمه آمد و رفت می کنند آن محیط را کاملاً کثیف و غیر بهداشتی نموده است.

امروز اندک آب چشمه بیدمشک در پشت سد کوچکی که حدود ۱۰۰ متر پائین تر احداث شده ذخیره گردیده و با پمپاژ آن باغ تازه احداثی در تپه های مجاور آبیاری می شود.

در سال های اخیر این مکان تاریخی ایستگاه و مقصد مناسبی بوده برای عده ای از شهروندان ورزشکار شهرستان که صبح های جمعه و تعطیلات مسیر ۷ کیلومتری پارک پیروز تا چشمه را با پای پیاده می پیمایند و لذت خوردن یک لیوان چای داغ و لقمه های نان و پنیر ساده را در کنار این چشمه کوچک تجربه می نمایند.

مکانی که روزی روزگاری نجات بخش و حیات بخش لب های عطش زده و جسم خسته نیاکان بی ریای ما بوده امروز شاید نیازمند اندک توجهی از سوی ما میراث داران آن انسان های بزرگ باشد تا شاید بدین سان حداقلی از قدر شناسی را به عمل آورده باشیم. نمی دانم چگونه شاید با ساخت تفرجگاهی کوچک و پاکسازی آن برای استفاده همان معدود ورزشکاران عزیز و یا حتی شاید با نصب تابلویی کوچک که روی آن نوشته شده باشد: شهر سبزیم تو را سبز نگاه خواهیم داشت.



بازسازی این شبکه ای آبرسانی نقش مهمی داشته است می توان به مرحوم مشهدی محمد مجتهد (بهره دار) در قرن سیزده هجری اشاره نمود. علی الظاهر نام دیگر بیدمشک یعنی او وادی یا او بیدی برگرفته از ماجرای است که برای این انسان با کرامت در کنار این چشمه رخ می دهد.

آنچنان که نقل شده است ایشان با جمعی از همراهان هنگام رفتن به دوان در کنار چشمه که آن زمان خشکی بوده نیاز به آب پیدا می کند؛ لذا تیمم کرده و دو رکعت نماز حاجت خوانده و آنگاه به سمت چشمه رفته و چند سنگ از روی چشمه برمی دارد که ناگهان چشمه فوران

سپس بخشی از آن خانه های محله های شمالی شهر را مشروب می ساخته است.

قدمت این سیستم آبرسانی بر اساس شواهد و اسناد موجود آنچنانکه در کتاب جغرافیای طبیعی کازرون نوشته آقای حاتمی آمده است حداقل به قرن هشتم هجری برمی گردد و بانی آن احتمالاً شیخ امین الدین بلیانی می باشد.

در اسناد موجود نام چشمه مذکور به مشق عنوان گردیده که احتمالاً معرب بیدمشک است. بخش دیگری از آب حوض از طریق کانال های دیگری به سمت حمام ها و آب انبار های شهر همچون آب انبار خانقاه شیخ امین الدین سرازیر می شده است. از دیگر کسانی که در تعمیر و

در کوه های شمالی کازرون است که در مجاورت چشمه های فصلی دیگری همچون چشمه ساج و چشمه ی عروس قرار دارد.

در گذشته آب چشمه های ساج و عروس در زمان پر آبی از طریق یک معبر پر پیچ و خم و حیرت انگیز کوهستانی به سمت جنوب سرازیر می گردیده و پس از ادغام با آب بیدمشک از طریق آبراهه ای مخصوصی که نوجه نامیده می شده و در جدول های از سنگ و ساروج که هنوز بخش هایی از آن در مسیر خاکی کازرون به بیدمشک به چشم می خورد به سمت دشت کازرون سرازیر شده و پس از طی حدود ۷ کیلومتر در بخش شمالی شهر در تنگ بیدی وارد حوضی به همین نام شده و

نسیم ملایمی از جانب شمال در حال وزیدن بود. بوی خوش خاک باران خورده به مشام می رسید و عطردل انگیز دهنای وحشی فضا را معطر نموده بود. اینقدر این عطردل دیوانه کننده برایم آشنا بود که مرا با خود به چند دهه قبل می برد، آنجا که من کودکی بیش نبودم که اینک با جان و دل چشم به لب های پر مهر پدر و مادر خود دوخته و گوش جان سپرده بودم به شنیدن خاطرات خوش آن ها از روزگاری که آب این مایه ای حیات بخش کیمیایی بود که با هزاران زحمت از فرسنگ ها دورتر با دستان معجزه گر پیشینیان ما در قنات ها و کاریزها جاری می شد تا کام تشنه مردم ساده و صمیمی شهر را سیراب نماید.

گفتم ساده و صمیمی بله دقیقاً همین دو ویژگی در وجود مردم کافی بود تا خداوند رحمان چنان برکتی به چشمه های جوشان اطراف شهر ببخشد، که هیچ خانه ای در این دیار از نعمت وجودش بی نصیب نماند.

غرق در خاطرات خوش کودکی خود بودم که ناگاه دسته ای زیبا از دهنای معطر را در دستان خود یافتیم آن را به صورت خود نزدیک کرده و بوئیدم ناگهان بیاد مادر مهربان خود افتادم که به دن بسیار علاقه داشت لبخندی زدم انگار که تحفه ای برایش یافته بودم. به دور و برم که خیره شدم دشت و تپه ها را همه مملو از این گل های وحشی خوشبو دیدم که با رنگ های خیره کننده ای صورتی و بنفش در رقص تماشایی باد به این سو و آن سو می رفتند.

کمی آن سوتر و در انتهای راه سنگلاخ پیش رویم درختان بید سر سبزی از دور نمایان بود بله اینجا چشمه بیدمشک است که روزگاری تأمین کننده بخش قابل ملاحظه ای از آب شرب مردم این دیار بوده است و اینک در گذر زمان همچون دیگر یادمان های نیاکان مان به دست فراموشی سپرده شده و تنهای تنها در انتهای این دره ی خاموش دیگر رمقی برای جوشش در وجودش نمانده است. چشمه بیدمشک (بیمشک) که امروز می توان آن را جزو چشمه های کم آب و فصلی محسوب نمود بخشی از سلسله زنجیروار چشمه های موجود

چشمه ساران کوه های شمالی شهر



در نوشتار پیشین پیرامون چشمه سارهای کوهستان های کازرون به اندک چشمه های فصلی و کم آب رشته کوه جنوبی شهر اشاره نمودیم که مهم ترین آن ها عبارت بودند از چشمه اسهلی - چشمه اناری - چشمه چناری. این چشمه ها عموماً در فصل زمستان و پس از یک دوره بارندگی مناسب شروع به جوشش نموده و با فرارسیدن بهار و آغاز دوره ی گرما و با پایان یافتن منبع ذخیره و تغذیه آن ها کم کم به خشکی می گرایند.

اما رشته کوه شمالی شهر از حیث وجود این نوع چشمه سارهای کوهستانی وضعیت به مراتب بهتری نسبت به جبهه جنوبی دارد که دلیل اصلی آن را می توان با ارتفاع بیشتر کوه های شمالی و برف گیر بودن قله های آن در فصل زمستان مرتبط دانست. (بلندترین نقطه کوه های جنوبی ۱۹۵۰ متر ارتفاع دارد در حالی که بلندترین نقطه کوه های شمالی ۲۵۰۰ متر ارتفاع دارد).

بر این اساس هم فراوانی این چشمه سارها و میزان آب دهی آن ها و هم مدت زمان آب دهی آن ها به مراتب افزون تر از چشمه های کم آب رشته کوه جنوبی می باشد. به گونه ای که معمولاً اکثر این چشمه ها در تمام ماه های سال در حال جوشش می باشند هر چند در فصول گرم تابستان تا حدودی از آب دهی آن ها کاسته می گردد. از دو چشمه بزرگ و پر آب دشت کازرون یعنی چشمه ساسان

در تنگ چوگان و چشمه سراب اردشیر که بگذریم در دل کوهستان های شمالی شهر نیز به چشمه های کوچکی بر می خوریم که از آب باران و برف باریده شده بر کوه های مرتفع منطقه تغذیه شده و در پائین دست کوه ها از دل زمین بیرون می آیند. عمده این چشمه سارها در مناطق کوهپایه ای اطراف روستای تاریخی دوان قرار دارند. آب این چشمه ها به اندازه ای بوده که می توانست است آب شرب اهالی روستای دوان و حتی بخش های از شهر کازرون را تأمین نماید. بخشی از آب آن چشمه سارها نیز چه در گذشته و چه امروز به مصرف آبیاری تاکستان ها و باغ های کوچک انار و انجیر می رسیده است.

در قسمت شرقی روستای دوان یازده چشمه کوچک وجود دارد که همگی دارای آبی خنک و گوارا می باشند. اسامی این چشمه ها در اصطلاح محلی عبارتند از بل غنی - بل پسه - بریو بالا و بریو پائین - اوو مشیری - اوودره خواجه رجبی - بل خواجه - اوو لردک - اوو نی یک اوو قلا.

آب بل غنی و بل پسه و بریو بالا و پائین معمولاً به مصرف شرب اهالی دوان می رسیده که بسیار خنک و گوارا می باشند. آب مابقی چشمه معمولاً به آبیاری باغ های کوچک پائین دست خود می رسد و و انارستان ها و تاکستان های کوچک و آبادی را در دره های تنگ و پر شیب اطراف دوان به وجود

آورده است. ساعتی پیاده روی دلچسب در میان تاکستان های زیبای دوان و آنگاه دمی نشستن در کنار این چشمه ها و نوشیدن جرعه ای از آب گوارای آن ها به انسان نیروی صد چندان برای ادامه مسیر و لذت بردن از هوای پاک کوهستان می بخشد.

از سمت دوان که به سوی شرق حرکت کنیم و وارد دشت کازرون شویم به چند چشمه کوچک دیگری بر می خوریم که از فضای روزگار سرنوشت و حیات مردم شهر کازرون در زمان های نه چندان دور در گرو جوشش این چشمه سارها بوده است. چشمه اوو بیدی (بیدمشک) معروف ترین این چشمه ها است که آب آن در گذشته با همت و تلاش انسان های سخت کوش و نیاکان پر تلاش ما از طریق کانال های سنگی رو بازی که به نوجه معروف است به شهر منتقل می شده است.

و به با ذخیره شدن در آب انبارها به مصرف اهالی شهر می رسیده. قسمت هایی از این کانال های سنگی دست ساز هم اینک در مسیر پیاده روی ورزشکاران به سمت بیدمشک وجود داشته و قابل مشاهده است. در بالا دست چشمه بیدمشک چشمه دیگری وجود دارد که به چشمه ی ناز شهرت دارد و در فصل زمستان با پیوستن به چشمه بیدمشک جوش و خروش مضاعفی را در دل کوه های شمالی شهر به وجود می آورد.



منتظر اخبار و مطالب شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.

mailto:Farzfarhad@gmail.com

کارشناس سرویس گردشگری: معهودرضا بولادی